

خبر کوتاه

در اندیشه جذب دو بازیکن

خط قرمز گل محمدی روی اسم بازیکنان نامدار

سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس هیچ قصدی برای جذب بازیکن جدید لیگ برتری به مجموعه تیمش ندارد.

رفع محرومیت نقل و انتقالاتی پرسپولیس باعث شده تا یحیی گل محمدی دنبال جذب بازیکن برای این تیم در آستانه شروع بیستمین دوره رقابت‌های لیگ برتر باشد.

سرمربی پرسپولیس در حالی پس از جدایی محمد نادری و شجاع خلیل زاده قصد جذب مدافع را در برنامه خود دارد که هفت بازیکن لیگ برتری مدنظرش را در ابتدای نقل و نتقالات تابستانی گرفت.

با این حال شایعاتی درباره احتمال فسخ قرارداد تازه واردهای پرسپولیس و جایگزین کردن مدافعان نامدار لیگ برتری مطرح شده است. این در حالی است که گل محمدی رضایت کامل از شرایط بازیکنان حاضر در تمرینات این تیم دارد و هیچ تصمیمی برای خط زدن اسم یکی از خریدهای تابستانی خود ندارد.

همچنین یحیی هیچ برنامه‌ای برای جذب بازیکنانی نظیر محسن مسلمان، فرشاد فرجی، علیرضا ابراهیمی نیز ندارد. سرمربی سرخپوشان پایتخت ترجیح می‌دهد دو بازیکن جدید را به مجموعه تیمش اضافه کند تا پرسپولیس به دور از حاشیه برای لیگ برتر بیستم و فینال لیگ قهرمانان ۲۰۲۰ آماده شود.

وداع با رجیستا

علی کریمی جوان، در دورانی که پیراهن سپاهان را می‌پوشید، اگرچه نسبت به سایر رقبایش در تیم ملی، به نظر ساده‌تر بازی می‌کرد اما فاکتورهایی نظیر «دقت بالای پاس» و «توانایی در انتقال توپ از دفاع به حمله،» او را تبدیل به یکی از جوانان محبوب کی‌روش کرده بود.

در آن مقطع، مصدومیت و یک انتقال ناموفق به کرواسی، فرصت بیشتر بازی کردن در تیم ملی و دو رویداد مهم یعنی جام جهانی ۲۰۱۸ و جام ملت‌های ۲۰۱۹ آسیا را از او گرفت اما با ورود استراماچونی به ایران، فصل تازه‌ای در فوتبال کریمی آغاز شد.

مرد شماره ۶ استقلال، از آغاز لیگ نوزدهم و با این مربی ایتالیایی، شکل جدیدی از توانایی خود را بروز داد. استراماچونی بعد از شروعی ناامیدکننده در لیگ، نقشی را به علی کریمی سپرد که ایتالیایی‌ها به آن «رجیستا» می‌گویند. رجیستاه‌ا (به زبان ایتالیایی یعنی کارگردان)، شکل مدرنی از هافبک‌های دفاعی هستند که در متون انگلیسی از آن با نام «بازیساز عمیق» یا همان Deep-lying playmaker یاد می‌شود. شاید در زبان فارسی، بهترین توصیف رجیستا، عبارت «بازیساز عقب‌نشین» باشد.

رجیستاه‌ها، نزدیک به خط دفاعی خودی مستقر می‌شوند اما از همان منطقه تبدیل به کارگردان اصلی حملات تیم می‌شوند. در عین اینکه در فاز دفاعی و در نبردهای هوایی و قطع توپ مشارکت می‌کنند، توانایی ویژه‌ای در ارسال پاس‌های کلیدی کوتاه و بلند دارند و با قدرت بازیخوانی ویژه، بهترین گزینه را برای پاس دادن انتخاب می‌کنند. یک رجیستای خوب، صرفاً به ارسال پاس کلیدی اکتفا نمی‌کند و در مواقع مناسب با اضافه شدن به خط حمله، خودش را در موقعیت گلزنی قرار می‌دهد.

اگر دنبال مصداق در سطح اول فوتبال دنیا می‌گردید، آندرهٔ پیرلو بهترین توصیف برای پست رجیستا است. ژاوی آلوسو، تونی کروس، ژاوی و مارکو وراتی، دیگر ستاره‌هایی هستند که در این دسته از هافبک‌ها جا می‌گیرند.

در فوتبال، هیچ تغییر و تحولی، اتفاقی نیست. هیچ موقعیتی، تصادفی نیست و هیچ فوتبالیستی یک‌شبه رشد (یا افت) نمی‌کند. اینکه چرا علی کریمی در لیگ نوزدهم، بیشتر از همه دروان فوتبالش گل زده و گل ساخته و چطور در ۲۶ سالگی فصل تازه‌ای از فوتبالش آغاز شده، به شکل مستقیمی با تصمیم بزرگ استراماچونی درباره او مرتبط است. استراماچونی همزمان با تغییر سیستم از هفت چهارم، نقش جدیدی به هافبک شماره ۶ استقلال محول کرد و تشخیص داد کریمی بتواند هافبک رجیستای تیمش باشد.

او که حضور یا غیبتش تأثیر معنی‌داری در نتایج استقلال در فصل گذشته داشت، در لیگ نوزدهم به طور میانگین در هر بازی بیش از ۸۰ لمس توپ داشت، یعنی ۸۰٪ از هر بازیکن دیگری. با دقت پاس بالای ۸۰ درصد، یکی از بهترین‌های استقلال بود و آمار حیرت‌انگیز ۲ پاس کلیدی در هر بازی را ثبت کرد تا در فاکتور پاس کلیدی، بهترین بازیکن لیگ نوزدهم باشد. علاوه بر این، کریمی در هر بازی به طور متوسط ۱٫۶ شوت در هر بازی به طرف دروازه حریفان شلیک می‌کرد که در این بخش هم یکی از بهترین‌های لیگ بود.

علی کریمی در تمام فصل گذشته، اولین گزینه استقلال برای دریاف‌ت پاس از سایر بازیکنان بود و سرعت تصمیم‌گیری و هوش ذاتی، از او هافبکی ساخت که علاوه بر ثبت آمارهای قابل تحسین در عملکردهای دفاعی، روی ۱۰ گل استقلال در لیگ هم تأثیر مستقیم داشته باشد. با این اوصاف، غیرمنتظره نیست اگر بگوییم استقلال کلیدی‌ترین مهره تیمش را در فصل نقل و انتقالات از دست می‌دهد.

در تمام فوتبال ایران، هافبک‌هایی که بتوانند در این نقش، کیفیتی مشابه علی کریمی بروز دهند، انگشت‌شمار هستند و آبی‌ها با انتقال او به قطر، عملاً فرمانده بدون جانشین خود را از دست می‌دهند.

مدیرعامل جدید پرسپولیس ابراز امیدواری کرد این تیم بتواند در فینال لیگ قهرمانان آسیا برنده شود و این باشگاه در آذرماه جشن قهرمانی بگیرد.

جعفر سمیعی دیروز شنبه و پس از برگزاری مراسم رسمی معارفه به عنوان مدیرعامل جدید باشگاه پرسپولیس گفت: ابتدا از اعضای هیات مدیره باشگاه تشکر می‌کنم که به من اعتماد کردند. امیدوارم بتوانم با همکاری پیشکسوتان و هواداران در این جایگاه طبق برنامه‌ای که چند روز پیش دادم عمل کنم.

وی افزود: امیدوارم در کوتاه‌ترین زمان برای قهرمانی پرسپولیس در آسیا شرایط را فراهم کنیم. البته این مهم بدون حمایت و همراهی هواداران، بازیکنان و کادر فنی رقم نمی‌خورد. امیدوارم ۲۹ آذرماه جشن ملی را در ایران با قهرمانی پرسپولیس برپا کنیم.

سمیعی در مورد فعالیتش در فضای مجازی نیز گفت: بنده هیچ صفحه‌ای در اینستاگرام ندارم و پیج‌های منتسب به بنده جعلی است. از هواداران پرسپولیس تقاضا می‌شود، کلیه اخبار باشگاه را از طریق رسانه‌های رسمی باشگاه دنبال کنند.

مدیرعامل باشگاه پرسپولیس درباره صحبت با اعضای کادر فنی تأکید کرد: با کادر فنی صحبت کردم ولی قطعاً آنها رحمت کشیدند و با کمبودها و شرایط

سخت تیم را قهرمان کرده و به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسانده‌اند. بدون شک از آنها حمایت خواهد شد. ضمن آنکه پرسپولیس بازیکنان با غیرتی دارد که از تمام توان آنها استفاده خواهد شد.

سمیعی درباره راهکار خود برای خروج پرسپولیس از بحران‌های مالی یادآور شد: بزرگ‌ترین مشکل باشگاه مسائل اقتصادی است. در این زمینه یک کمیته اقتصادی تشکیل خواهد شد. همچنین

سمیعی پس از معارفه: تلاش می‌کنم موفق شوم

امیدوارم آذرماه جشن قهرمانی آسیا را بگیریم



حضور در بورس نیز برایش برنامه ریزی شده و اقدامات لازم برای ورود به بازار سرمایه را در نظر خواهیم گرفت.

سمیعی درباره میزان بدهی باشگاه پرسپولیس تصریح کرد: اجازه دهید فعلاً در این زمینه صحبت نکنم تا بیشتر روی مسائل دقیق شوم.

مدیرعامل باشگاه پرسپولیس در پاسخ به انتقادات از انتخاب وی به عنوان چهره غیرورزشی

دستورالعمل بهداشتی لیگ؛ حضور مسئولان در جایگاه ممنوع

ورود بازیکنان محروم و مصدوم ممنوع شد

از حضور سایر افراد میهمان و همراهان فاقد ای دی کارت به ورزشگاه معذور می‌باشیم.

۳- همکاران مسئول در روز برگزاری مسابقه از سوی هیات فوتبال استان یا شهرستان تایید و تامین می‌گردد (از جمله عوامل برانکارد، توپ جمع کن و سایر عوامل اجرایی روز مسابقه) باید در حداقل تعداد مجاز بوده و توجه بر رعایت الزامات پروتکل‌های بهداشتی از جانب ایشان در تعهد میزبان است.

۴- مکرراً یادآوری می‌گردد، از آنجا که کلیه مسابقات تا اطلاع ثانوی بدون حضور تماشاگر است بنابراین به جهت حمایت از نظام سلامت کشور و انجام پروتکل‌های صافه از سوی وزارت بهداشت، حضور افراد مختلف در کلیه فضای ورزشگاه و همچنین استقرار مهمانان و مسئول شهری در فضاهای مختلف مانند جایگاه وی ای پی، سکوها و کنار زمین اکیدا ممنوع بوده و مسئول برگزاری مسابقات تا زمان حضور ایشان از برگزاری مسابقه منع می‌گردد.

۵- تامین ۶ نفر توپ جمع کن و ۴ نفر از عوامل برانکارد، با نظر

هیات فوتبال استان بوده و انجام معاینات پزشکی و ارایه آموزش‌های لازم به ایشان برعهده هیات محترم استان و با شهرستان میزبان است.

۶- نظارت بر انجام صحیح دستور العمل‌های بهداشتی صادره از جمله ضد عفونی و پلمب رختکن‌ها و فضاهای اجرایی، ضد عفونی

لژیونر های این فصل؛ «بمب»های غیر منتظره

مجدمی هم قطر را انتخاب کرد

مسلم مجدمی وینگر ۲۴ ساله صنعت نفت آبادان نیز یکی از لژیونرهای فوتبال ایران بود که به تیم دسته دومی المعبیز در فوتبال قطر پیوست و هم‌بازی مهرداد پولادی در این باشگاه شد. پولادی سال‌هاست در قطر حضور دارد و به‌واسطه پرونده معروف سربازی‌اش دیگر علاقه‌ای به بازگشت به ایران ندارد.

استعدادی که به قطر رفت

مهدی ترابی یکی از مهم‌ترین استعدادهای فوتبال ایران بالاخره اولین انتقالش را بعد از توفیق دوسله با پرسپولیس تیم موردعلاقاش تجربه کرد.او قبلاً هم می‌توانست به بازار باشگاهی درجه دوی اروپا مثل بلژیک و پرتغال و یونان برود اما ترجیحش یک دوره حضور در پرسپولیس بود که در نهایت با مقداری دلخوری از این باشگاه جدا شد و به العربی قطر رفت. او برای شروع روزیایی در این کشور مشکلاتی مثل مصدومیت و قرنطینه داشته اما به‌زودی همان ستاره قابل انتظار لیگ ایران خواهد شد. هدف بعدی ترابی انتقال به یک لیگ معتبر است.

آزادی کشور فلاسفه را انتخاب کرد

مهاجم جوان تیم تراکتور که یکی از استعدادهای فوتبال ایران در سال‌های گذشته نام برده می‌شد در یک انتقال فافلگیرکننده به فوتبال یونان رفت و به تیم پانتولیکوس این کشور پیوست. آزادی که به تازگی ۲۱ ساله شده می‌تواند در درخشش در لیگ یونان بیش از گذشته در چشم باشد و مقدمات پیوستن به تیم‌های بزرگتر را فراهم آورد. لیگی که کریم انصاری‌فر، مسعود شجاعی و احسان حاج‌صفی نیز سابقه خوبی از حضور در آن دارند.

قربانی ملیت هم عوض کرد

یکی از عجیب‌ترین لژیونرهای تاریخ فوتبال ایران مطمئناً لقب قربانی است. بازیکنی که به‌صورت همزمان، هم تیم باشگاهی‌اش را تغییر داد و هم تیم ملی‌اش را. او تا مرداد در ایران و تیم سپاهان بازی کرد و در کمتر از دو ماه تا پایان فصل نوزدهم به لیگ آذربایجان و تیم سومقاییت

گفت: تلاشمان را می‌کنیم تا اینجا موفق شویم.

سمیعی درباره پرداخت طلب یوژیدار رادوشویچ گفت: برای پرداخت مطالبات بازیکنان نیاز به بررسی بیشتر است و امروز در جریان ریز مسائل آنها قرار می‌گیرم.

مدیرعامل باشگاه پرسپولیس درباره استعفا از مدیرکلی حراست وزارت ورزش و جوانان یادآور شد: طبیعتاً طبق قانون نمی‌توانم در دو جا باشم و از آنجا استعفا می‌دهم.

وی درباره وظایف ابراهیم شکوری بخاطر

انتخابش به عنوان معاون اجرایی باشگاه پرسپولیس گفت: از تمام ظرفیت‌های او استفاده خواهیم کرد. مطمئناً او کمک‌های زیادی به بنده خواهد کرد.

سمیعی در خصوص وضعیت ادامه همکاری پرسپولیس با کارگزار باشگاه تصریح کرد: همکاری باشگاه با کارگزار ادامه خواهد داشت. ما با آنها قرارداد داریم و از آنها حمایت می‌کنیم

وی درباره احتمال حضور در هیات مدیره

باشگاه پرسپولیس افزود: مربوط به تصمیم دوستان

است. اگر تصمیم بگیرند خواهیم بود.

وی درباره ارتباط با رسانه‌ها گفت: بخاطر مسائل ژورنالی‌های شاید کمتر بتوانم در ارتباط باشم اما به زودی سخنگو خواهیم داشت تا در این باره اطلاع رسانی کند



توپ‌ها، تامین پد بهداشتی و ضدعفونی کشش‌ها در ورودی زمین مسابقه، نصف لامپ‌های وی وی، ایجاد فاصله بهداشتی روی نیمکت‌ها و تعبیه مسیر استقرار بازیکنان و کادر فنی روی سکوها و ... در عهده هیات فوتبال و باشگاه میزبان است.

ضمن تشکر از تمامی باشگاه‌ها و هیات‌های فوتبال استان امید است با رعایت هرچه بهتر و پروتکل‌های بهداشتی بتوانیم الگوی مناسبی برای فوتبال کشور در امر رعایت بهداشت و انجام مسابقات باشیم.

گزارش

بی ثباتی رایج در مدیریت سرخابی‌های فوتبال ایران

سروش سیری

«ستفان کاوی» نویسنده ی کتاب مشهور «هفت عادت مردمان موثر» داستان جالبی را نقل می‌کند که بی‌شباهت به مواجهه‌ی دلمی سرخابی‌های فوتبال ایران با وزارت ورزش نیست!«داستانی که در آن فرمانده یک ناو جنگی، نور ثباتی را در تاریکی مه آلود شب می‌بیند و برای جلوگیری از خطر تصادف، تلاش می‌کند تا روی خط ارتباطی با طرف مقابل قرار بگیرد. اما به محض برقراری ارتباط رادیویی طرف مقابل از ناو می‌خواهد با ۲۰ درجه انحراف، به مسیر ادامه دهد. فرمانده که از گسستگی، طرف مقابل عصبانی شده، بی سیم را می‌گیرد و با فریاد می‌گوید: -من فرمانده ی یک ناو جنگی هستم،این شما هستید که باید از مسیر یک ناو جنگی کنار بروید. طرف مقابل اما لحناتی سکوت می‌کند و سپس با آرامش پاسخ می‌دهد: -دستور شما را شنیدم فرمانده!ما واقیعت اینجاست که من از داخل فانوس دریایی با شما صحبت می‌کنم!»فرمانده در نتیجه خطای فاحشش شده با همین لحن آمرانه به دستیارش می‌گوید-اینجا چه جای فانوس دریایی است؟...همه‌هاگت کنید تخریبش کنند!این داستان بی شباهت به سیاست‌های وزارت ورزش برای دوشبگاه استقلال و پرسپولیس نیست. وزارتی که خودش را ناو جنگی و حاکم مطلق اقیانوس سرخابی‌ها می‌داند و در این مسیر هیچ ثباتی را در پروژه ی دریانوردی اش برنمی‌تابد. به این ناهاها دقت کنید؛ افتخاری، فتحی، خلیل زاده، فتح الله زاده، ستمدندان از یکسو و در سوی دیگر، کاشانی، سیاسی، نژاد فلاح، طاهری، گرشاسبی، عرب انصاری فر، رسول پناه، سیزده فانوس دریایی بودند که در طول این سالها برچیده شدند تا تنها یک ناو حاکم مطلق اقیانوس سرخابی‌ها باشد!با این توصیفات شاید بد نباشد بی‌ثباتی رایج در مدیریت دو باشگاه استقلال و پرسپولیس را با باشگاه‌هایی در سطح دنیا مقایسه کنیم.

بایرن مونیخ: شاید بی ثبات ترین روزگار مدیریتی بایرن مونیخ در پنج سال اخیر رخ داده باشد. هنگامی‌که «اولی هوینس» مدیر باشگاه به دلیل افشای فرار مالیاتی اش در زندان به سر می‌برد و «کارل هویفتر» مدیریت قرمزهای باواریا را بر عهده گرفته بود. فردی که به مانند مدیر مدرج رسیدن به سمت ریاست باشگاه را به تدریج و پیوسته طی کرده بود و به دلیل سابقه ی حضور در ارکان مدیرتی بایرن مونیخ، با فضای مدیریت در پرافتخار ترین تیم آلمان غریبه نبود. اما دوران مدیریت هویفتر در مقایسه با دوره ی مدیریت ۱۵ ساله «بکن بائر» و دوره ی ۵ ساله ی هوینس از ثبات کافی برخوردار نبود!این بی‌ثباتی به مجادلات درون سازمانی با عزل و نصبهای سلیقه‌ای ربط پیدا نمی‌کرد. موضوع به عزل هویونس پس از تحمل یک سال و نیم زندان بر می‌گشت، که شرایط را برای فعالیت دوباره‌ی او در بایرن مونیخ فراهم کرد. نکته قابل توجه اینجاست که باشگاه بایرن مونیخ در طول ۲۵ سال اخیر تنها چهار نام را به عنوان مدیر در راس امور خود دیده است.
بارسلونا: هنگامی که در سال ۲۰۰۰ «خوزه لوپیز نوئیر» پس از ۲۲ سال از مدیریت بارسلونا کنار رفت، «خوان گاسپارت» معاون موفق او برای ریاست بارسا برگزیده شد.معاون موفق‌ی که البته در مدیریت به کلی ناموفق بود و به همین دلیل بی ثبات ترین دوره ی ریاست آبی لاری ها به نام او ثبت شده است. با این وصف توجه به دو نکته حائز اهمیت است. اول اینکه در بارسلونا به مانند سایر باشگاه‌های مطرح اروپایی، یک فرد با طی مراتب مدیریتی به مدیریت کلان باشگاه می‌رسد.و دوم اینکه باشگاه بزرگ و پرمصرفاری همانند بارسلونا به بدترین مدیرش، حداقل سه فصل فرصت مدیریت بایرمن مونیخ فراهم کرد. نکته قابل توجه اینجاست که در بایرن مونیخ در طول ۲۵ سال اخیر تنها چهار نام را به عنوان مدیر در راس امور خود دیده است.
بارسلونا: هنگامی که در سال ۲۰۰۰ «خوزه لوپیز نوئیر» پس از ۲۲ سال از مدیریت بارسلونا کنار رفت، «خوان گاسپارت» معاون موفق او برای ریاست بارسا برگزیده شد.معاون موفق‌ی که البته در مدیریت به کلی ناموفق بود و به همین دلیل بی ثبات ترین دوره ی ریاست آبی لاری ها به نام او ثبت شده است. با این وصف توجه به دو نکته حائز اهمیت است. اول اینکه در بارسلونا به مانند سایر باشگاه‌های مطرح اروپایی، یک فرد با طی مراتب مدیریتی به مدیریت کلان باشگاه می‌رسد.و دوم اینکه باشگاه بزرگ و پرمصرفاری همانند بارسلونا به بدترین مدیرش، حداقل سه فصل فرصت مدیریت بایرن مونیخ فراهم کرد. نکته قابل توجه اینجاست که در بایرن مونیخ در طول ۲۵ سال اخیر تنها چهار نام را به عنوان مدیر در راس امور خود دیده است.

رئال مادرید: روزگار بی‌ثباتی رئال مادرید به عصر مدیریت «رامون کالدرون» باز می‌گردد. و کلیلی که حکومت کپکشانی "فلورنسیو پرز" پس از ۶ سال پایان داد تا نماینده ی گروهی باشد که نسبت به هزینه‌های تیم کپکشانی مدیر سابق معترض بودند.اما دوران مدیریت کالدرون فراتر از ۳ سال نرفت و درحالی که سیاست‌های اقباضی او منجر به بالا گرفتن اعتراضات شده بود اینبار فلورنسیو پرز صندلی از دست رفته اش را بازپس گرفت. به این ترتیب تنها نام مدیریت رئال مادرید را برای ۵دهه برعهده داشته‌اند.

یوونتوس: رسوایی "کالچو پلی" و سقوط به دسته پایین تر، بدون شک بحرانی ترین روزگار یوونتوس در دو دهه ی اخیر محسوب می‌شود. روزگاری که یک دوره ۵ ساله ی سخت را به یوونتوس تحمیل کرد، به نحوی که آنها مجبور شدند برای مدیریت باشگاه، یک مدیر فرانسوی را انتخاب کنند. "ژان کلود بلان" درحالی مدیریت یوونتوس را در سال ۲۰۰۹ بر عهده گرفت که پیشتر در زمان سقوط یوونتوس به سری A در تشکيلات مدیریتی یوونتوس او به عنوان مدیر باشگاه منجر به حفظ شاکله ی باشگاه و صعود به سری A گردیده بود. اما با این اوصاف حضور او در راس امور باشگاهی که به مدیریت خانوادگی مشهور بود، وصله ی ناجوری محسوب می‌شد که در نهایت به برکناری او منتهی گردید. به این ترتیب در کمتر از یکسال بعد، آندره آنیلی مدیریت یوونتوس را بر عهده گرفت، تا باشگاهی که با پدرش به اوج رسیده بود هرگز از روح خاندان آنیلی خارج نگردد. لازم به ذکر است که یوونتوس هم به رغم تجربه ی یک دوره ی فوق بحرانی ، تنها چهار مدیر را در دو دهه ی اخیر تجربه کرده است.آنچه که مرور کردیم، شش نمونه ی خوراز از مدیریت باشگاهای معروف دنیا در دهه ی اخیر است که در طول این جزئیات مدیریت این دوشبگاه را طی نکرده اند و با دستور منصوب و برکنار گردیده‌اند. با این اوصاف به نظر می‌رسد نحوه ی اداره ی دو باشگاه بزرگ استقلال و پرسپولیس، بیش از هرچیز نیازمند نزدیک نظر در نگاه مدیریتی وزارت ورزش باشد. وزارتی که هنوز خودش را حاکم مطلق اقیانوس سرخابی‌ها دانسته و هرگز برای هیچ فانوس دریایی حق ثبت قائل نبوده است!